

اشتیین، یادگاری از گذشته، میراثی برای آینده

تای اشتیین در طول 46 درجه و 29 دقیقه و عرض 38 درجه و 51 دقیقه و ارتفاع 3620 متر از سطح دریا قرار دارد و از توابع بخش سیه رود و دهستان نوجه مهر



روستای اشتیین در طول 46 درجه و 29 دقیقه و عرض 38 درجه و 51 دقیقه و ارتفاع 3620 متر از سطح دریا قرار دارد و از توابع بخش سیه رود و دهستان نوجه مهر شهرستان جلفا واقع در استان آذربایجان شرقی است. فاصله روستا از جاده اصلی و مرزی سیه رود-خداآفرین حدود 7 کیلومتر است. روستای اشتیین متشکل از سه آبادی به نامهای هراس، سیاوشان و جعفرآباد، نمونه ای از روستاهای کوهستانی - میان دره ای محسوب می شود. محدوده روستا از نظر تقسیمات آب و هوایی جزء مناطق با اقلیم سرد و دارای زمستانهای طولانی بوده و برای چندین ماه از سال پوشیده از برف است. بافت روستای اشتیین بواسطه احاطه باغات و سایر عوامل کالبدی نظیر ناهمواریها، بستر سنگی، شیب تند اراضی و شرایط اقلیمی خاص، کاملاً فشرده و فقط در محدوده شمالی روستا امکان توسعه محدود وجود دارد.

در سال 1385 روستای اشتیین دارای 773 نفر جمعیت در قالب 150 خانوار بوده است.

این روستا با شماره 2692 در تاریخ 79/3/17 در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. اسناد به دست آمده از سنگ نوشته های موجود در روستا تاریخ 843 و 976 هجری قمری را نشان می دهند، ولی به نظر میرسد معماری موجود در برخی بناها مربوط به دوره اشکانیان است.

در زمانهای گذشته روستای اشتیین حالت قلعه را داشته است و کسی نمی توانسته به آسانی به روستا دسترسی داشته باشد، به این ترتیب که روستا در دره ای واقع شده است که اطراف آن را از سه جهت کوههای بلند احاطه کرده است و در بالای هر کوه سنگری ساخته شده بود و این سه سنگر به روستا احاطه کامل داشتند و روستا از لحاظ امنیتی همانند دژی محکم بود و به این سان دسترسی دزدان و راهزنان به روستا امری دشوار بود و به این ترتیب در زمانی که مردم از دست دزدان و راهزنان امنیت نداشتند، چنین مکان امنی جهت زیستن مناسب به نظر می رسید از این رو بنا به شواهد موجود، تمدنی به مراتب بزرگتر و با رونق بیشتری در آن مکان شکل گرفت که بعدها بنام اشتیین نامیده شد. بعدها به همین دلیل از دو روستای دیگر «هراس» و «جعفر آباد» به این روستا کوچ کردند و به رونق این روستا افزودند. از دلایل دیگری که منجر به مهاجرت به این روستا از روستاهای دیگر شد، این بود که چون روستاهای دیگر همگی از روستاهای آرامنه بودند و فقط این روستا دارای دین اسلام بود، و همچنین دارای منابع آب، طبیعت، زمین مناسب و آب و هوای مساعد تری بود و در ضمن هیچ ارباب یا حاکمی که مردم را استثمار کند در این روستا وجود نداشت و روستا از قدیم به صورت خرده مالکی اداره می شد و هرکسی می توانست مالک قطعه زمینی باشد و امرار معاش نماید.

در مورد وجه تسمیه روستا دو روایت موجود است:

الف- این روستا از ترکیب سه روستای همجوار به نامهای «هراس»، «جعفرآباد» و «سیاوشان» تشکیل شده و از این رو به «اوشتیین» مرکب از دو کلمه «اوش» به معنی عدد سه و «تیین» به معنی طایفه در زبان تاتی تشکیل شده است.

ب- چون روستا در میان سه کوه بلند واقع شده است، نام روستا از ترکیب دو کلمه «اوش» به معنی عدد سه و «بیین» به معنی میان گرفته شده است.

از مشاهیر این روستا می توان از مرحوم سید ابوالقاسم نباتی نام برد که از موقعیت والایی در ادبیات فارسی و ترکی برخوردار است. او را می توان خلف راستین خواجه حافظ و عمرخام دانست. او شاعری عارف و استادی ماهر است که هم تراز غزلیات حافظ و رباعیات خیام شعر سروده است. جمع اشعار به جای مانده از وی بیش از پنجاه هزار بیت است که تقریباً نصف آن به فارسی و نصف دیگر آن به ترکی است. اشعار نباتی در قفقاز و آذربایجان و ترکیه و ایران طرفداران زیادی دارد و عاشیقها و خواننده ها از اشعار وی استفاده می کنند.

آثار تاریخی روستا:

کتابها و اسناد تاریخی:

یکی از آثار بسیار نفیس و با ارزشی که در روستا وجود دارد، کتاب «تاریخ نادری» است که با خطی بسیار زیبا نوشته شده است. این کتاب خطی در خود روستای اشتیین توسط «مشهدی محمدعلی»

نوشته شده است. در انتهای کتاب موارد زیر نوشته شده است:

راقم الحروف اقل الطلاب الکرّم و احقر

العباد العظام عبدالله و له عزت آداب مشهدی محمدعلی

اتمام کتاب تاریخ نادری در روز پنجشنبه فی ایام ماه جمادی الثانی سنه 1231

ختم مشوش است و پریشان چو زلف یار عبیم مکن که در شب هجران نوشته ام

این نوشته تا بماند یادگار من نمانم خط بماند یادگار

وجود چنین کتابی با چنین دست خطی در چنین مکان دورافتاده ای نشان دهنده وجود تمدنی به مراتب بزرگتر و با رونق تر از آنچه که اکنون وجود دارد، است.

نزد روستائیان تعدادی کتب خطی دیگری نیز نگهداری می شود که منسوب به حکیم نباتی هستند. اغلب این کتب متعلق به اوایل قرن سیزدهم هستند و نزد آقای علی شاهی نگهداری می شوند

خانه های قدیمی: از دیگر آثار تاریخی مهم سنگهای سردرخانه هاست که یکی متعلق به خانه آقای سرخای است که متن آن به شرح زیر است: در بالا: امر ببناء هذا العمارت فی الدولت السلطان ابی السلطان شاه محمد خدا بنده خلد الله ملاکه الحق هدایت الله ابن المرحوم مولانا احمد الشیرزادیکنگره راست محراب از پایین تا راس محراب: ز در درآ و شبستان ما منور کن یا علی دماغ مجلس روحانیان معطر کنبه چشم و ابروی ساقی سپرده ام دل و جان یا علیکناره چپ محراب از بالا به پایین: بیا و بیا و تماشای طاق و منظر کن یا باقیجز آستان توام در جهان پناهی نیست یا علی سر مرا به جز این در حواله گاهی نیست «حافظ» **سرمحراب:** گشاده باد به دولت همیشه این درگاه به حق اشهد ان لا اله الا اللهگوشه راست و چپ محراب: یا الله یا اللهتاریخ سنگ بین سالهای 986 و 996 هجری قمری می باشد. همچنین بالای این سردر لوح چوبی قرار دارد که در آن بعد از آیه «و ان یکاد» به سنه 1201 هجری قمری اشاره شده است

یکی دیگر از این سنگهای سردر مربوط به خانه آقای سلیمانزاده می باشد که در متن آن به سال 977 هجری قمری و زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی اشاره شده است. متن این کتیبه به شرح زیر می باشد: امر ببناء هذه البيت المبارك فی ایام دولة السلطان الاعظم الخاقان الاکرم سید السلاطین فی العالم السلطان ابن السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهدر خان خلد الله ملکه الخواجه آقا محمد بن خواجه بیگلر دزماری. 977

از دیگر آثار تاریخی مهم این روستا می توان به سنگرهای موجود در کوههای اطراف روستا، آسیابهای آبی روستا و سر ستونهای چوبی باقیمانده از مسجد قدیمی روستا اشاره کرد.

معماری ابنیه روستا:

خانه های روستایی بسیار عملکردی و بی تکلف می باشند. این روستا نیز از این خصیصه به دور نبوده اما با این وجود فضاهای مشخصی مانند آشپزخانه، دهلیز، طنبی یا «گوناق اتاقی»، «ال اتاقی» یا اتاق دم دستی و بالکن را دربرمی گیرد. در خانه های این روستا معمولا حیاط عملکرد خاصی ندارد و این دهلیز است که به عنوان فضای ارتباطی کار می کند. در اکثریت خانه ها یک درب پایین برای طبقه اول ساختمان موجود است که از آن برای عبور حیوانات استفاده می کنند و یک درب مستقیم به دهلیز باز می شود که در طبقه دوم قرار دارد.

در تپ دوم خانه ها یک درب عمومی وجود دارد که از آن درب هم دامها و هم ساکنان خانه استفاده می کنند. بعد از ورود به صحن خانه، معمولا با یک پله به دهلیز طبقه بالا ارتباط پیدا کرده و از آنجا فضاهای خانه تقسیم می شوند.

معمولا در روستا به علت محدود بودن توان اقتصادی و علل دیگر، خانه ها را به صورت مختصر و کاملا عملکردی می سازند و در این خانه ها اثری از تزیینات زیاد دیده نمی شود.

عناصر معماری خاص:

از عناصر معماری خاص این روستا می توان «بالگون» یا همان بالکن و یا به گویش خود روستاییان «آرتیرما» را نام برد که فضایی بیرون آمده از بنا است و بر روی معابر قرار گرفته و بر اساس شرایط اقلیمی این منطقه مورد استفاده روستاییان قرار می گیرد.

این عنصر از دو جهت باعث آسایش بیشتر اهالی می شود: اول اینکه جلوی تابش زیاد آفتاب نیز تابستان را به درون اتاقها می گیرد و دوم اینکه فضای بادگیر و نسبتا خنکی است که در تابستان مورد استفاده قرار می گیرد.

از دیگر عناصر معماری خاص روستا فضایی بنام «بنه گاه» یا «بنا گاه» است و بنا به گفته روستاییان به دلایل امنیتی شکل گرفته است. این قسمت از بنا هیچ روزنه ای به خارج ندارد و فقط از قسمت انتهایی سقف نورگیری می کند. ارتفاع آن تقریبا برابر دوطبقه ساختمان است و چهار ستون چوبی که معمولا دارای سرستونهای حکاکی شده هستند، سقف هرمی و چوبی آن را نگه می دارند. معمولا در زیر این سقف تنوری برای پخت نان وجود دارد.

تزیینات:

نرده های زیبا، سرستونهای منقش، ارسی ها و پنجره ها همه از هنر و تمدن والای اهالی این روستا حکایت می کنند. تزیینات در شکل گیری معماری زیبای این روستا نقش بسیار مهمی ایفا کرده اند